



The Role of Social Security Support Insurance on Women's Participation in the Carpet-weaving Industry: A Case Study of Takab County

Golsanam Gholami gole ¹, Afsaneh Tavassoli^{2*}

¹ Department of Women and Family Studies, Faculty of Social Sciences and Economics, Alzahra University, Tehran, Iran

² Department of Women and Family Studies, Faculty of Social Sciences and Economics, Alzahra University, Tehran, Iran

ARTICLE INFO

KEYWORDS:

Carpet weaving
Insurance
Takab county
Women carpet weavers

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Iranian handmade carpets are a cultural and economic commodity and one of the most valuable non-oil products that has provided employment for activists in this field throughout the ages. Weavers are the main link in the handmade carpet production cycle. More than seventy percent of Iranian carpet weavers are women in urban and rural areas. The carpet weaving industry of the city of Takab in West Azerbaijan Province, with the global registration of "Iron Carpets" in WIPO and an annual production history of about 15,000 square meters of handmade carpets, is one of the rare examples of Iranian carpets that has faced a decrease in the participation of women carpet weavers in production in recent years. For sustainable employment in carpet production, it is essential to create protective insurance coverage and continuity of insurance. Continuous implementation of macro policies in the management of protective insurance for employees in this sector is essential.

METHODS: This is a mixed study (quantitative and qualitative). The statistical population of the research is 300 women members of the Takab Carpet Weaving Union who had insurance and a registered history in that unit in 1403. Based on the Cochran formula, the statistical sample of the study was 168 people. The systematic sampling method was systematic. The research tool was a standardized and previously tested researcher-made questionnaire, which showed a high coefficient of validity of the questionnaires for the continuation of the study.

FINDINGS: After analyzing the questionnaires with the help of SPSS and hypothesis testing, which was carried out with two descriptive and inferential statistical methods, we found that there is a negative and inverse relationship between weak management and policy-making. There is also a negative and inverse relationship between the improper functioning of insurance and financial services and women's participation in the carpet weaving industry. There is a positive and direct relationship between the subcomponents of age, income, carpet weaving history and women's participation in the carpet weaving industry. There was a significant difference between the subcomponent of job status and women's participation in the carpet weaving industry.

CONCLUSION: The findings of the study led us to the conclusion that the factors affecting the decline in the participation of women in Takab carpet weaving are more at the macro-level of management and policy-making than at the individual and regional level. It seems that the lack of continuous insurance for women weavers is one of the reasons for the withdrawal of weavers from the production cycle of this industry. Comprehensive and sustainable insurance services as part of the supportive approach of policymakers can be helpful. The results showed that

with legislation, management assistance in providing appropriate insurance and financial services, women's participation in the handmade carpet production cycle can be increased. The conditions for the weavers' job survival have improved and in the long run, it is likely to benefit the regional carpet weaving industry and women carpet weavers. The hand-woven carpet industry, as an indigenous Iranian industry that simultaneously represents the authenticity of Iranian culture, art, and economy, today faces obstacles and challenges for growth and development. A vast majority of the workforce in this industry are women. This study exclusively focuses on female carpet weavers as the central link in the production chain of this product. In the theory of social comparison processes, individuals evaluate their own position in relation to the positions of others. This comparison is assessed in terms of inputs (what the individual contributes to the environment) and outputs (what they receive in terms of rights, benefits, social relationships, and reputation). The findings of this study, in comparison with previous research and the obtained variables, indicate that the inputs of women as carpet weavers include producing valuable products with global credibility and quality. In this context, marital status and income also serve as driving forces for women's carpet weaving activities. However, the outputs for this group—such as comprehensive policies for continuous support through adequate insurance and appropriate social rights—are not proportionate to each other. Today, a gender-sensitive approach plays a significant role in improving quality and enhancing development plans. It seems that most of the previously enacted economic support laws were gender-neutral and were designed and implemented solely with an economic and financial approach to promote and sustain production themes. To improve and elevate the current conditions, it is better to address the existing gaps in this field by conducting qualitative field research and focusing on studies centered on gender and carpet weaving. Efforts should be made to raise awareness among female carpet weavers about support laws and regulations, streamline bureaucratic processes, and develop and diversify specialized insurance for carpet weavers to change the attitudes of female weavers toward support programs.



نقش بیمه‌های حمایتی تامین اجتماعی بر مشارکت زنان در صنعت قالی بافی: نمونه موردی شهرستان تکاب

گل صنم غلامی گوله^۱، افسانه توسلی^۲

^۱ کارشناسی ارشد رشته مطالعات زنان، گروه مطالعات زنان و خانواده، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

^۲ عضو هیات علمی گروه مطالعات زنان و خانواده، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

چکیده

پیشینه و اهداف: فرش دستباف ایران کالایی فرهنگی اقتصادی و از مهمترین تولیدات ارزشمند غیرنفتی است که در طول اعصار متضمن اشتغال برای فعالین این عرصه بوده است. بافندگان، حلقه اصلی چرخه تولید فرش دستباف هستند. بیش از هفتاد درصد بافندگان فرش ایرانی، زنان در مناطق شهری و روستایی هستند. صنعت قالی بافی شهرستان تکاب در استان آذربایجان غربی با ثبت جهانی "فرش آهنین" در WIPO و سابقه تولید سالانه حدود ۱۵ هزار متر مربع فرش دستباف، از نمونه‌های کم‌نظیر فرش ایرانی است که در این سالهای اخیر با کاهش مشارکت زنان قالیباف در تولید مواجه شده است. برای تضمین استمرار مشارکت زنان در تولید فرش دستباف، تقویت و بسط پوشش بیمه تامین اجتماعی راهکار موثری است. هدف از این مطالعه بین‌رشته‌ای، نقش ضعف سیاستگذاری و ارائه خدمات بیمه‌های اجتماعی بر میزان مشارکت زنان قالی‌باف در تولید فرش دستباف شهرستان تکاب است.

کلمات کلیدی:

اشتغال زنان
بیمه تامین اجتماعی
بیمه اجتماعی
زنان قالی‌باف
شهرستان تکاب

روش‌شناسی: این مطالعه به صورت کمی و به روش پیمایش انجام شده است. جامعه آماری تحقیق، ۳۰۰ نفر زنان عضو اتحادیه فرش بافی شهرستان تکاب هستند که در سال ۱۴۰۳ بیمه و سابقه ثبت شده در آن واحد داشتند. براساس فرمول کوکران نمونه آماری تحقیق ۱۶۸ نفر برآورد شد. روش نمونه‌گیری منظم سیستماتیک بود. ابزار تحقیق پرسشنامه محقق ساخته استاندارد و آزمون شده قبلی بود که روایی پرسشنامه‌ها ضریب بالایی را برای ادامه مطالعه نشان دادند.

یافته‌ها: پس از تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌ها با کمک SPSS و آزمون فرضیات که با دو روش آمار توصیفی و استنباطی انجام شد، دریافت شد که بین ضعف مدیریت و سیاستگذاری با میزان مشارکت زنان شهرستان تکاب در صنعت قالی بافی رابطه وجود دارد. بین کارکرد نامناسب ارائه خدمات بیمه، مالی و مشارکت زنان در صنعت قالی بافی نیز رابطه منفی و معکوس برقرار است. بین زیر مولفه‌های سن، میزان درآمد، سابقه قالیبافی و مشارکت زنان در صنعت قالیبافی رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد. بین وضعیت اشتغال (اصلی یا کمکی بودن حرفه قالی‌بافی) و مشارکت زنان در صنعت قالی‌بافی شهرستان تکاب رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد.

نتیجه‌گیری: یافته‌های مطالعه ما را به این نتیجه رساند که عوامل موثر بر کاهش مشارکت زنان تکاب در قالی بافی بیش از آنکه فردی و منطقه‌ای باشد، در سطح کلان مدیریت و سیاستگذاری کشور است. به نظر می‌رسد عدم وجود بیمه مستمر برای زنان بافنده از دلایل خروج بافندگان از چرخه تولید این صنعت است. خدمات بیمه جامع و پایدار به عنوان بخشی از رویکرد حمایتی سیاستگذاران می‌تواند کمک‌کننده باشد و شرایط برای بقای شغلی بافندگان را بهبود داده و در دراز مدت احتمالاً به نفع صنعت قالی‌بافی منطقه و زنان قالیباف است. نتایج نشان داد با قانونگذاری، مساعدت مدیریت در خصوص ارائه مناسب خدمات بیمه و مالی می‌توان مشارکت زنان در چرخه تولید فرش دستباف را افزایش داد.

فرش دستباف به عنوان کالایی باویژگی‌های خاص از یک سو آینه‌ی فرهنگ، تاریخ، هنر و اصالت ایرانی است و از سوی دیگر به جهت جایگاه استراتژیک می‌تواند در جایگاه کالایی صادراتی نقشی مهم در صادرات غیرنفتی کشور داشته‌باشد. استان آذربایجان غربی یکی از کانون‌های قالی‌بافی است. به‌گواه تاریخ، زنان این منطقه از دوران سلجوقی و ایلخانی مشغول بافت قالی بودند، به طوری که ایلمه (گره ترکی) را که متفاوت از گره فارسی است در منطقه باستانی افشار رواج دادند. یکی از حوزه‌های قالی‌بافی ایران در استان آذربایجان غربی، شهرستان تکاب است که قالی آهنین افشار آن شهرت جهانی دارد. فرش دستبافت شهرستان تکاب که به فرش آهنین نیز مشهور است در ۲۹ ژوئیه ۲۰۲۱ میلادی بر اساس گواهی ثبت شده در دفتر بین‌المللی سازمان جهانی ثبت مالکیت فکری^۱ در سامانه بین‌المللی لیسیون^۲ ثبت جهانی شد (باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۴۰۰). در این شهر بیش از ۸۵۰۰ قالیباف مشغول تولید این هنر صنعت اصیل بودند، در سال ۱۴۰۳ کمتر از ۶۱۳۷ نفر بافنده فعال در شهر تکاب مشغول قالی‌بافی هستند. طبق آمار واحد اصناف سازمان صنعت، معدن و تجارت این شهر در سال ۱۳۹۶ حدود ۸۰۰ نفر از این افراد بیمه شده بودند و بنابراین سال ۱۴۰۱ صرفاً ۶۵۰ نفر از این افراد به دلیل تغییر شغل یا بازنشستگی و... تحت پوشش بیمه تامین اجتماعی هستند. از ادوار گذشته تاکنون زنان در تولید فرش دستباف نقش کلیدی داشتند. براساس آمارهای واحد اصناف سازمان صنعت معدن تجارت تکاب، ۹۸ درصد قالی‌های دستباف با مساحتی حدود ۱۵ هزار متر مربع را زنان و دختران ساکن شهرها و روستاهای تکاب می‌بافند. با اینکه بخش عظیمی از جمعیت تولیدکنندگان و بافندگان قالی دستباف زنان هستند (محمدی استادکلایه، ۱۳۹۵) اما امروز شاهد رکود بازار اشتغال زنان در این حوزه هستیم. در کنار عوامل متعدد دیگر، در عصر حاضر با عوض شدن رویکرد دختران و زنان به خصوص تغییر نگرش‌ها و ارزش‌های اقتصادی، اشتغال و تمایل دختران و زنان به اشتغال خارج از خانه به عنوان یکی از عوامل اصلی رکود قالی‌بافی و کاهش میزان مشارکت زنان در صنعت فرش دستباف در نظر گرفته می‌شوند (نیازی و چیت سازان، ۱۳۸۶، ص. ۱۰۸). از آنجا که بخش عمده بافندگان فرش دستباف زنان هستند، بدیهی است برای بررسی و رفع مسائل این حوزه بعضاً رویکردی جنسیتی اتخاذ شود. از این رو مطالعات بین‌رشته‌ای می‌تواند کارگشا باشد. بخشی از مشکلات صنعت فرش دستباف ناشی از محدودیتهای سازوکار اقتصاد جهانی برای اقتصاد ایران است. بروز رقبات خارجی مانند چین و هند، افزایش نهادهای عمومی و دولتی در این عرصه، آمارهای ناکافی از بازارهای بین‌المللی، کاهش کیفیت، نبود گردشگران خارجی، عدم حضور بانک‌های سرمایه‌گذار و ضعف مشوق‌ها و قوانین موثر و مناسب، صنایع دستی ایران به خصوص صنعت فرش دستباف را با مشکلات اساسی روبه‌رو نموده است (شاطریان و گنجی‌پور ۱۳۹۳) مسائل قالی‌بافی در شهر تکاب که یکی از شهرهای استان آذربایجان شرقی؛ از مهمترین قطب‌های فرش ایرانی است، با سایر قطب‌های قالی‌بافی ایران همسویی دارد. صنعت قالی‌بافی ایران از کاهش صادرات به دلیل تحریم‌ها، حمایت‌های ناقص و ناکافی دولت و سازمان‌های بیمه‌کننده و تسهیلات ناکافی بانکها به بافندگان آسیب دیده است. کم‌توجهی به این موارد منجر به خروج بافندگان از این صنعت و افول بافندگی است. (خبرگزاری مهر، ۱۴۰۰). بافندگان به عنوان شاخص‌ترین حلقه زنجیره اشتغال صنعت فرش دستباف، در میان ۳۰ موقعیت شغلی مستقیم وابسته؛ عامل مهمی در آسیب‌شناسی و ارزیابی شرایط چرخه تولید هستند. در هراهرودی به جهت توسعه تولید، عرضه و صادرات فرش دستباف توجه ویژه به شرایط بافندگان از الزامات اولیه است. بیمه بافندگان از ابزارهای موثری است که می‌تواند شرایط این گروه را به نفع بهبود شرایط تولید و عرضه تغییر دهد. دولت به جهت حمایت از قالی‌بافان مستقل و خانواده‌های آنها قانون بیمه‌های اجتماعی قالی‌بافان، بافندگان فرش و شاغلان صنایع دستی شناسه دار (کددار) را در مرداد ۱۳۸۸ تصویب کرد: (قانون بیمه‌های اجتماعی قالی‌بافان، بافندگان فرش و شاغلان صنایع دستی شناسه‌دار (کددار)، ۱۳۸۸).

عمده بافندگان فرش، زنان هستند. از این رو در پژوهش‌های این حوزه توجه به جنسیت و رویکرد بین‌رشته‌ای به نظر می‌رسد می‌تواند اثربخشی این مطالعات را تقویت کند. این پژوهش بین‌رشته‌ای در پی آن است که دریابد از آنجا که بنابراین مشاهدات میدانی تمام بافندگان فرش دستباف در شهر تکاب تحت پوشش بیمه تامین اجتماعی هستند؛ بین تناسب حمایت بیمه‌تأمین اجتماعی و نهادهای مالی با مشارکت زنان و نیز نوع مدیریت و سیاستگذاری بکار رفته و مشارکت زنان در فرش‌بافی شهر تکاب ارتباط موثری وجود دارد یا نه؟ این مطالعه در هشت بخش تنظیم شده است. پس از مقدمه، با تعریفی از مبانی نظری متناسب با موضوع و در پیشینه پژوهشی به مرور بر مطالعات همسو در گذشته پرداخته ایم. در روش‌شناسی پژوهش شکل انجام مطالعه، و دریافتهای این پژوهش در یافته‌های پژوهشی به شکل مدون و مستند به جداول و نمودارها آمده است. با تبیین و توضیح مسئله در بخش بحث و نتیجه‌گیری به جمع‌بندی، موانع مطالعه و پیشنهادات رسیدیم.

مبانی نظری پژوهش

¹ WIPO

² Lisbon

فرش در ایران هویتی فراتر از یک کالا دارد و بخشی از شناسنامه فرهنگی این مرز و بوم است. مقوله فرش به تنهایی یکی از برندهایی است که منشا ظهور آن منحصر به ایران بوده و می تواند ویژگی های اخلاقی- رفتاری این کشور را معرفی کند. حضور پررنگ در بازارهای داخلی و همه گیر شدن استفاده از این کالای مرغوب ایرانی مستلزم داشتن کیفیت و قیمت مناسب است و تداوم حضور، در سایه داشتن برند برتر میسر می شود (امیدی پسند و عباس زاده، ۱۳۹۵). تأمین اجتماعی به عنوان یک پدیده تاریخی و اجتماعی، برآیند مستقیم تحولات ساختاری در جوامع، به ویژه پس از گذار به دوران صنعتی شدن است. این نهاد بر پایه نیاز ذاتی انسان به امنیت در برابر مخاطرات زیستی و اجتماعی شکل گرفته است. اگرچه ریشه های آن در ضرورت های انسانی نهفته است، اما تثبیت هنجاری و تبدیل آن به یک «حق قانونی» مرهون توجه و تدوین معاهدات بین المللی در سده اخیر بوده است (زمانی، ۱۳۹۶). هدف بنیادین تمام اشکال بیمه های اجتماعی، مدیریت ریسک از طریق جایگزینی درآمدی است که در اثر مخاطراتی همچون بیکاری، حوادث، سالمندی یا فوت نان آور از بین می رود. کارسن^۱ معتقد است این جبران درآمدی دو کارکرد همزمان دارد: نخست، اطمینان از حمایت فردی و دوم، صیانت از کل پیکره جامعه در برابر تلاطم های پیش رو. در واقع، تأمین اجتماعی فراتر از یک خدمت فردی، ابزاری برای حفظ ثبات اجتماعی محسوب می شود. در یک نگاه جامع، تأمین اجتماعی را می توان مجموعه ای از تدابیر نظام مند برای تقابل با پیامدهای بیماری ها، حوادث و وقایع اجتماعی دانست. هدف غایی این نظام، حمایت از افراد در برابر تنگناهای اقتصادی و ارتقای سطح کیفی زندگی و امنیت روانی آنهاست (پیترز، ۱۳۸۸). در نظام حقوقی ایران، بیمه اجتماعی با رویکردی ساختاریافته، خدماتی نظیر بازنشستگی، از کارافتادگی و فوت را به جامعه ای گسترده ارائه می دهد. این برنامه که بر پایه مشارکت سه جانبه کارگر، کارفرما، دولت و دریافت حق بیمه استوار است، از طریق نهادهایی همچون سازمان تأمین اجتماعی و صندوق های بازنشستگی اجرا می گردد (کریم پور، ۱۴۰۱). یکی از شاخه های نوین و حائز اهمیت در این حوزه، بیمه خویش فرما است. این نوع بیمه در قالب یک عقد الحاقی تعریف می شود که در آن رابطه سنتی کارگر و کارفرما وجود ندارد؛ بلکه شخص بر اساس اشتغال مستقل یا اراده فردی، داوطلبانه تحت چتر حمایتی نظام تأمین اجتماعی قرار می گیرد تا خود را در برابر ریسک های آتی مصون سازد (عراقی، ۱۳۸۶). تحلیل نظام های بیمه ای نشان می دهد که توزیع خدمات همیشه با نیازهای محیطی و جنسیتی همخوانی کامل ندارد. در این راستا، دو چالش عمده قابل شناسایی است: نابرابری های جنسیتی؛ علی رغم تأکید اسناد بین المللی و قانون اساسی بر برابری زن و مرد در برخورداری از مزایای اجتماعی، همچنان شاهد نابرابری های آشکار و پنهان در دسترسی به این حقوق هستیم (طباطبائی حصار و آذری، ۱۳۹۸). این موضوع لزوم بازنگری در سیاست گذاری های جنسیتی (مانند طرح بیمه زنان خانه دار) را بیش از پیش نمایان می سازد. محرومیت های جغرافیایی و معیشتی: مناطق روستایی و شهرهای کوچک به جهت وابستگی بیشتر به منابع طبیعی، درآمدهای ناپایدار و دسترسی محدودتر به خدمات مالی در برابر مخاطرات آسیب پذیری بیشتری دارند. در این شرایط پوشش های بیمه برای این گروه ها می تواند به عنوان ابزاری جهت کاهش آسیب پذیری اقتصادی و افزایش تاب آوری مالی عمل کند. گسترش بیمه در بین گروه های کم درآمد نیازمند افزایش آگاهی عمومی، حمایت و مشارکت ذی نفعان است. (Prabhakar et al, 2015). به طور خلاصه، بیمه اجتماعی نه تنها یک چتر حمایتی برای جبران خسارت، بلکه ابزاری برای توسعه انسانی و عدالت اجتماعی است. بیمه اجتماعی به عنوان سازوکاری مدرن مبتنی بر سیاست گذاری های رفاه و توسعه می تواند بازتولید امنیت اقتصادی بیمه شدگان و مواجهه با مخاطرات آینده را تسهیل کند. از سویی با ایجاد طرح های خاص بیمه نظیر بیمه خویش فرما، بیمه زنان خانه دار یا بیمه اختصاصی مشاغل خاص مثل بیمه شاغلین در تولید فرش دستباف و ادغام این الگوهای متنوع بیمه در ساختار کلان بیمه اجتماعی؛ منجر به توسعه و تثبیت و گسترش چتر حمایتی نظام بیمه های اجتماعی خواهد شد. در تبیین عوامل موثر بر ضعف مشارکت زنان قالی باف تکاب در تولید فرش دستباف می توان به کمبود گستره پوشش بیمه های حمایتی به عنوان پیش ران استمرار فعالیت زنان در این گروه شغلی پرداخت.

مروری بر پیشینه پژوهش

(کریم پور، ۱۴۰۱) در مطالعه «وضعیت موجود، ابعاد و چالش های بیمه زنان خانه دار» با روش تحلیل ثانویه و مطالعه اسنادی ضمن بررسی شرایط جاری بیمه زنان خانه دار معتقد است نقدهایی که به روند اجرایی شدن بیمه زنان خانه دار و حمایت حداکثری دولت در این زمینه صورت می گیرد بیشتر ناظر بر بار مالی است و با اصلاح اولویت بندی و مدیریت می توان حمایت را عملیاتی تر برای زنان لحاظ کرد. (بازرگان، ۱۴۰۰) در «تحلیل درهم

¹ carson

تنیده حقوق کار زنان قالیباف (مطالعه موردی بیمه زنان قالیباف تبریز)، با روش کیفی و مصاحبه‌های عمیق به تحلیل کیفی شرایط زنانی پرداخته که با وجود اشتغال تمام وقت در قالی‌بافی نتوانستند از حمایت قانون بیمه قالی‌بافی برخوردار شوند. (طباطبایی‌حصاری، ۱۳۹۸) در «مطالعه تطبیقی اسناد ملی و بین‌المللی در زمینه جایگاه اصل برابری در برخورداری زنان از مزایای بیمه‌های اجتماعی» با روشی اسنادی و نگاهی تحلیلی تطبیقی به اسناد بین‌المللی و مقاوله‌نامه‌ها دریافته عدم انعکاس مناسب تغییرات اجتماعی در خصوص تفاوت نقش‌های اجتماعی و اقتصادی زنان و مردان در قوانین این حوزه به ظهور نابرابری‌هایی انجامیده که ناشی از عدم توجه به تکلیف انفاق در حقوق «با» مفهوم کفالت در حقوق تأمین اجتماعی در خانواده از سوی دیگر است. (پاوری، ۱۳۹۷) در پژوهش توصیفی تحلیلی «تبیین جامعه‌شناختی یادگاری بافی در قالی‌های عشایری و روستایی ایران مطالعه موردی: قالی کرمانشاهی» بر مبنای مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای با توجه به ویژگی خاص این نوع قالی که مبتنی بر سفارش و نقشه‌های عرفی و تکراری نیست، بر این باور است که نظام‌های حمایتی و توزیع‌کنندگان بر چگونگی مصرف و جامعه مخاطب؛ بروز و افول یادگاری بافی نقش دارد. (رحیم‌پور و همکاران، ۱۳۹۷) با مطالعه «عوامل موثر بر کاهش تمایل زنان روستایی به حرفه قالی‌بافی در شهرستان شیراز» به روش تحلیل عاملی دریافتند عوامل (فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، فنی، قانونی، زیست محیطی و بهداشتی) بر کاهش تمایل زنان روستایی به قالی‌بافی تأثیر دارد و این عوامل ۵۹/۳۹ درصد از واریانس عامل‌های تأثیرگذار بر پایین آمدن تمایل زنان روستایی به فرش‌بافی را تبیین می‌کنند. (ورمزیاری و همکاران، ۱۳۹۷) در پژوهش «واکاوی چالش‌ها و راهکارهای توسعه هنر-صنعت فرش دستباف روستایی ایران؛ دستاوردهایی برای سیاست‌گذاری» که به روش کیفی و با نظریه زمینه‌ای انجام دادند، دریافتند ناتوانی مدیریت، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، راندمان پایین سیستم خدمات دهی مالی و بیمه، موانع پیش روی تولید و فروش و نیز افول فرش بافی چالش‌های اساسی توسعه هنر-صنعت فرش دستباف روستایی مطرح است. (محمدی استادکلاته و همکاران، ۱۳۹۵) در تحقیق «شناخت و تحلیل عامل مؤثر بر رکود صنعت قالیبافی در نواحی روستایی از دیدگاه قالی‌بافان شهرستان گنبد کاووس» به روش ترکیبی واکتشافی با مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و با کدگذاری به علل رکود صنعت قالی‌بافی در منطقه پرداختند. آنها دریافتند مقوله‌های «ضعف سیاست‌های حمایتی دولت از فرش‌بافان» و «ضعف جنبه‌های اقتصادی در برنامه‌ریزی توسعه روستایی» به ترتیب بیشترین تأثیر را بر رکود صنعت فرش‌بافی، و مقوله‌های «ضعف خلاقیت و نوآوری در زمینه طرح، رنگ، نقشه و کیفیت مواد اولیه» و «عقب ماندگی فنی و تکنولوژیکی در تولید فرش دستباف» به ترتیب کمترین تأثیر را بر رکود صنعت فرش‌بافی در روستاهای مورد مطالعه دارد. (علیایی و دهقان نیستانی، ۱۳۹۱) در پژوهش «تعمق بر نیرومندی اقتصادی زنان فرش‌باف تکاب و تأثیر آنان در توسعه روستایی» با استفاده از پیمایش و روش توصیفی اسنادی به وسیله پرسشنامه و مصاحبه دریافتند توانمندی‌های تمامی دختران و زنان، باعث بالا رفتن توان اقتصادی خانوارها می‌شود و از جهتی هم توانمندی اجتماعی آنها در جامعه و خانوار افزایش یافت، انجام این مهم لازمه بالا بردن سطح آموزش حرفه‌ای و سطح تحصیلات و دانش دختران و زنان تکابی می‌باشد که آن هم مستلزم مدیریتی قوی با سوگیری مثبت به ترفیع جایگاه واقعی آنان است (Khan, 2023). در مطالعه «چالش‌های معیشتی صنعت صنایع دستی: مطالعه کیفی در مورد فقر و استثمار زنان صنعتگر سرینگر» با روش پدیدارشناسی توصیفی ضمن مصاحبه با زنان برای دستیابی به درک عمیق از تجربیات زنان فعال صنعت قالی‌بافی سرینگر، دریافت استثمار زنان صنعتگر در بخش صنایع دستی، تحت عوامل مختلف استثمار به شکل دستمزد پایین از چالش‌های معیشتی این زنان است. (Arify, 2023) با مطالعه توصیفی تحلیلی «نقش زنان قالی‌باف در اقتصاد روستایی افغانستان» دریافته نقش زنان افغانستان در توسعه اقتصادی کشور به شکل مرئی و نامرئی اهمیت دارد. فرش دستباف که یکی از اقلام مهم صادراتی افغانستان است توسط زنانی بافته می‌شود که ساعات طولانی کار و دستمزد پایین با ماهیت کار دشوار آنها برابری نمی‌کند. قوانین حمایتی کار افغانستان آنها را به رسمیت نمی‌شناسد و سهم آنها در تولید داخلی نادیده گرفته می‌شود چون به اقتصاد غیررسمی تعلق دارند (Negi & Upadhyay 2012) در پژوهش «تجزیه و تحلیل نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای فعالیت‌های کارآفرینی انتخاب شده (شال بافی، قالیبافی و غیره) توسط زنان روستایی» به این نتیجه رسیدند که سود کم سرمایه‌گذاری، نرخ بازدهی پایین تولید فرش دستباف و هزینه‌های بالای تولید فرش دستباف مهمترین نقاط ضعف و سختی رقابت با صنایع بزرگ مقیاس تولید فرش ماشینی با توجه به این که مردم روز به روز به سراغ این نوع از فرش‌ها می‌روند و عدم دسترسی به مواد خام در بازار و تقاضای کم برای فرش دستباف به دلیل هزینه‌های بالای آن از مهمترین تهدیدهای پیش روی زنان روستایی است که به فعالیت قالیبافی مشغول هستند (Wani & Jaiswal, 2011) در مطالعه خود با عنوان «نقد و بررسی عوامل خطر بهداشت حرفه‌ای در صنعت فرش» به این نتیجه رسیدند که بافندگان فرش دستباف از انواع گوناگون عوامل خطر بهداشتی رنج می‌برند. اختلالات اسکلتی و عضلانی، مشکلات بینایی، اختلالات عصبی، مشکلات پوستی اختلالات رایج بین قالی‌بافان است و عدم آگاهی در میان بافندگان‌ها باعث بدتر شدن مشکلات موجود در صنعت فرش می‌شود. بیشتر این بیماری‌ها و اختلالات از طریق اقدامات احتیاطی و مراقبت‌های لازم قابل اجتناب است. (Babel & Gupta, 2006) در پژوهش «بررسی محدودیت‌های توسعه اقتصادی زنان بافندگان پارچه راجستان» به این نتیجه رسیدند که زنان بافنده پارچه در واحدهای خانگی در ایالت راجستان با محدودیت‌های مثل ناتوانی مالی در تهیه مواد اولیه، عدم تقاضا و درآمد پایین مواجه هستند (Anneberman, 2006) در پژوهش «بافندگان فرش و بافندگی در بازار جهانی: مطالعه مورد ترکیه»، دلایل اصلی زنان روستایی برای ادامه فعالیت بافندگی یا ترک بافندگی را جنبه‌های مثبت و منفی عمل فیزیکی بافندگی، زمان لازم برای بافت فرش، مشوق‌های اقتصادی مرتبط با بافندگی، موقعیت جغرافیایی روستا، و سنت قالیبافی می‌داند. نگاهی به مطالعات پیش از این موید خلا پژوهشی درباره علل

مشارکت یا عدم مشارکت زنان در صنعت قالی بافی دستباف است. جای بررسی عوامل موثر بر تولید مثل تأثیر سیاستگذاری‌ها برای بهبود و استمرار مشارکت زنان قالی‌باف، بیمه و مشوق‌های موثر برای زنان قالی‌باف و... خالی است. این موارد به عنوان شکاف تحقیقاتی بهتر است مورد توجه قرار گیرد. بررسی خلاصه پیشینه به شرح (جدول شماره ۱) نشان می‌دهد بیشتر مطالعات پیرامون شرایط تولید و عرضه قالی است. شرایط بافندگان، مشوق‌ها و یا استانداردهای حمایتی نظیر بیمه، تضمین اشتغال و استمرار اشتغال در مطالعات چندان مدنظر نبوده است. این مقاله درصدد پرکردن بخشی از این شکاف پژوهشی درباره تأثیر بیمه، حمایت‌های مالی و اثرگذاری سیاستگذاری و مدیریت درست بر افزایش مشارکت زنان شهرتکاب در بهبود و ارتقای تولید قالی دستباف این شهر است.

جدول شماره ۱: خلاصه پیشینه پژوهش

Table NO1: summary of the empirical background of the research

نویسنده و سال مطالعه	عنوان مطالعه	یافته	روش
کریم پور، نگار (۱۴۰۱)	وضعیت موجود، ابعاد و چالش‌های بیمه زنان خانه‌دار	نقدهایی که به روند اجرایی شدن بیمه زنان‌خانه‌دار و حمایت حداکثری دولت در این زمینه صورت می‌گیرد بیشتر ناظر بر بار مالی است و با اصلاح اولویت‌بندی و مدیریت می‌توان حمایت را عملیاتی‌تر برای زنان لحاظ کرد	تحلیل ثانویه و مطالعه اسنادی
بازرگان، شیوا (۱۴۰۰)	تحلیل درهم تنیده حقوق کار زنان قالیباف (مطالعه موردی بیمه زنان قالی‌باف تبریز)	تحلیل کیفی شرایط زنانی پرداخته که با وجود اشتغال تمام وقت در قالی‌بافی نتوانستند از حمایت قانون بیمه قالی‌بافی برخوردار شوند	کیفی و مصاحبه‌های عمیق
طباطبایی حساری، نسرین (۱۳۹۸)	مطالعه تطبیقی اسناد ملی و بین‌المللی در زمینه جایگاه اصل برابری در برخورداری زنان از مزایای بیمه‌های اجتماعی	عدم انعکاس مناسب تغییرات اجتماعی در خصوص تفاوت نقش‌های اجتماعی و اقتصادی زنان و مردان در قوانین این حوزه به ظهور نابرابریهایی انجامیده که ناشی از عدم توجه به انفاق در حقوق و کفالت در حقوق تأمین اجتماعی است	مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای
یاوری (۱۳۹۷)	تبیین جامعه شناختی یادگاری بافی در قالی‌های عشایری و روستایی ایران مطالعه موردی: قالی کرمانشاهی	نظام‌های حمایتی و توزیع‌کنندگان بر چگونگی مصرف و جامعه مخاطب؛ بروز و افول یادگاری بافی نقش دارد	توصیفی تحلیلی
رحیم پور و همکاران (۱۳۹۷)	عوامل موثر بر کاهش تمایل زنان روستایی به حرفه قالی بافی در شهرستان شیراز	عوامل (فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، فنی، قانونی، زیست محیطی و بهداشتی) بر کاهش تمایل زنان روستایی به قالی بافی تأثیر دارد	تحلیل عاملی
ورمزیاری و همکاران (۱۳۹۷)	واکوی چالش‌ها و راهکارهای توسعه هنر-صنعت فرش دستباف روستایی ایران؛ دستاوردهایی برای سیاستگذاری	نا توانی مدیریت، سیاست گذاری و برنامه ریزی، راندمان پایین سیستم خدمات دهی مالی و بیمه، موانع پیش روی تولید و فروش و نیز افول فرش بافی چالش‌های اساسی توسعه هنر-صنعت فرش دستباف روستایی مطرح است	کیفی، با نظریه زمینه‌ای
محمدی استادکلاته و همکاران (۱۳۹۵)	شناخت و تحلیل عامل مؤثر بر رکود صنعت قالیبافی در نواحی روستایی از دیدگاه قالی‌بافان شهرستان گنبد کاووس	مقوله‌های «ضعف سیاست‌های حمایتی دولت از فرش‌بافان» و «ضعف جنبه‌های اقتصادی در برنامه ریزی توسعه روستایی» به ترتیب بیشترین تأثیر را بر رکود صنعت فرش‌بافی، و مقوله‌های «ضعف خلاقیت و نوآوری در زمینه طرح، رنگ، نقشه و کیفیت مواد اولیه» و «عقب ماندگی فنی و تکنولوژیکی در تولید فرش دستباف» به ترتیب کمترین تأثیر را بر رکود صنعت فرش‌بافی در روستاهای مورد مطالعه دارد	ترکیبی و اکتشافی با مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته
علیایی و دهقان نیستانی (۱۳۹۱)	تعمق بر نیرومندی اقتصادی زنان فرش باف تکاب و تأثیر آنان در توسعه روستایی	توانمندی‌های تمامی دختران و زنان، باعث بالا رفتن توان اقتصادی خانوارها می‌شود و از جهتی هم توانمندی اجتماعی آنها در جامعه و خانوار افزایش یافت،	پیمایش و روش توصیفی

پدیدارشناسی توصیفی	استثمار زنان صنعتگر در بخش صنایع دستی، تحت عوامل مختلف استثمار به شکل دستمزد پایین از چالش‌های معیشتی این زنان است	چالش‌های معیشتی صنعت صنایع دستی؛ مطالعه کیفی درمورد فقر و استثمار زنان صنعتگر سرینگر	خان تنویر، احمد (۲۰۲۳)
توصیفی تحلیلی	فرش دستباف افغانستان توسط زنانی بافته می‌شود که با وجود ساعات کار طولانی و دستمزد کم، چون به اقتصاد غیررسمی تعلق دارند قوانین حمایتی کار افغانستان آنها را به رسمیت نمی‌شناسد.	نقش زنان قالی‌باف در اقتصاد روستایی افغانستان	عارفی، مجتبی (۲۰۲۳)
تحلیلی	سود کم سرمایه‌گذاری، نرخ بازدهی پایین تولید فرش دستباف و هزینه‌های بالای تولید فرش دستباف مهمترین نقاط ضعف و سختی رقابت با صنایع بزرگ مقیاس تولید فرش ماشینی است.	تجزیه و تحلیل نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای فعالیت‌های کارآفرینی انتخاب شده (شال بافی، قالیبافی و غیره) توسط زنان روستایی	نگی و ادهی (۲۰۱۲)
	بافندگان فرش دستباف از انواع گوناگون عوامل خطر بهداشتی رنج می‌برند بیشتر این بیماری‌ها و اختلالات از طریق اقدامات احتیاطی و مراقبت‌های لازم قابل اجتناب است	نقد و بررسی عوامل خطر بهداشت حرفه‌ای در صنعت فرش	وین و جیسول (۲۰۱۱)
	زنان بافنده پارچه در واحدهای خانگی در ایالت راجستان با محدودیت‌های مثل ناتوانی مالی در تهیه مواد اولیه، عدم تقاضا و درآمد پایین مواجه هستند	بررسی محدودیت‌های توسعه اقتصادی زنان بافندگان پارچه راجستان	بابل و همکاران (۲۰۰۶)
	استمرار فعالیت بافندگان را منوط به جنبه‌های مثبت ومنفی بافندگی ومشوق‌های اقتصادی لازم می‌داند.	بافندگان فرش و بافندگی در بازار جهانی؛ مطالعه مورد ترکیه	انبرمن (۲۰۰۶)

روش‌شناسی پژوهش

این مطالعه از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، توصیفی-تحلیلی است که با روش پیمایش انجام شده است. در سطح توصیف، هدف مستندسازی ویژگی‌های نمونه و شناسایی وضعیت موجود پدیده‌های مورد تحقیق است. در سطح تحلیل نیز، هدف تبیین تغییرات (واریانس) متغیر ملاک (وابسته) بر اساس متغیرهای پیش‌بین (مستقل) می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش، کلیه زنان عضو اتحادیه فرش‌بافی شهر تکاب در سال ۱۴۰۱ هستند که طبق آمار استخراجی از واحد اصناف سازمان صنعت، معدن و تجارت، تعداد آنان ۳۰۰ نفر بوده و همگی دارای بیمه تأمین اجتماعی و سابقه ثبت‌شده در این واحد می‌باشند. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران و با در نظر گرفتن جامعه ۳۰۰ نفره، معادل ۱۶۸ نفر تعیین گردید.

برای سنجش متغیرهای پژوهش از دو پرسشنامه به شرح زیر استفاده شد:

۱. پرسشنامه محقق‌ساخته (عوامل مستقل): این پرسشنامه جهت سنجش «ضعف مدیریتی و سیاست‌گذاری» و «کارکرد نامناسب خدمات بیمه و مالی» طراحی شد. گویه‌های این پرسشنامه بر اساس تحلیل محتوای اسناد بالادستی (مانند قانون برنامه پنجم توسعه) و استخراج شاخص‌های عملیاتی (اندیکاتورسازی) تدوین گردید. جزئیات گویه‌ها و اندیکاتورهای استخراج‌شده در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

۲. پرسشنامه استاندارد مشارکت شغلی (متغیر وابسته): برای سنجش میزان اشتیاق و مشارکت شغلی از پرسشنامه ۱۰ سوالی سالانوا و شائوفلی (۲۰۰۸) استفاده شد. این ابزار پیوند روانی و انرژی عاطفی فرد نسبت به شغل را در طیف لیکرت می‌سنجد که جزئیات آن در جدول شماره ۳ آمده است.

روایی محتوایی ابزارها توسط پانل متخصصان (اساتید دانشگاهی) تأیید گردید. جهت تعیین پایایی، مرحله پیش‌آزمون روی ۳۰ نفر انجام شد که ضریب آلفای کرونباخ برای کل ابزار ۰/۸۱ محاسبه گردید که نشان‌دهنده پایایی مطلوب ابزار پژوهش است.

تحلیل داده‌ها در دو سطح انجام شد: در سطح توصیفی از شاخص‌های آمار توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار) جهت ترسیم ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و وضعیت متغیرها استفاده شد. در سطح استنباطی، ابتدا آزمون نرمال بودن داده‌ها (کلموگروف-اسمیرنوف) انجام گرفت. سپس، با توجه به پیش‌فرض‌های آماری، از آزمون همبستگی پیرسون برای تعیین جهت و شدت رابطه و از تحلیل رگرسیون چندگانه جهت تعیین سهم هر یک از متغیرهای مستقل در تبیین واریانس مشارکت شغلی زنان استفاده شد.

جدول شماره ۲. اندیکاتورهای و گویه های ضعف مدیریتی و سیاستگذاری و کارکرد نامناسب ارائه خدمات بیمه و مالی

Table NO2: Indicators and items of managerial and policy weaknesses and improper functioning of insurance and financial service provision

متغیرهای مستقل Independent variables	اندیکاتور اول The first indicator	اندیکاتور دوم The second indicator	گویه ها objects
ضعف مدیریتی و سیاست گذاری	جایگاه غیر شفاف فروش دستتفای شهری - قوانین بودجه سنواتی کشور و عدم تحقق مناسب اهداف برنامه پنجم	آوردن اغلب اعتبارات فرش دستتفای شهری - روستایی به صورت پراکنده و غیرقابل تفکیک در قالب فصل صنایع، بازرگانی و تعاون و فصل توسعه علوم و فناوری	دولت اعتبارات قالیبافی را به صورت نامنظم و پراکنده ارائه می نماید.
		فقدان برنامه و طرح مستقل در بودجه کشور، برای فرش دستتفای شهری - روستایی به صورت هدفمند و نظارت پذیر	حمایت های مالی دولت قابل قبول نبوده و همه فرشباان را شامل نمی شود.
		عدم ارائه گزارش عملکرد در خصوص بند «ن» ماده (194) قانون برنامه پنجم توسعه	برای توسعه صنعت فرش دستتفای، تاسیس خانه فرش، توسعه تجارت الکترونیک و رونق بخشی به صنایع مورد نیاز فرش دستتفای را لازم می دانم
	عدم ثبات مدیریتی و جایگاه ضعیف سازمانی محدودیت دسترسی بافندگان به منابع مالی و اعتباری مناسب و انحراف بخشی از تسهیلات	تغییرات سریع مدیریتی در نهادهای متولی هنر- صنعت فرش	جابه جایی مسئولان حوزه قالیبافی و همچنین برکناری افراد با تجربه را به نفع بافندگان فرش نمی دانم.
		کمبود نیروی انسانی ماهر در مراکز استانها	نیروهای ماهر در مراکز استانها باعث پیشرفت صنعتفرش می شود.
		تعدد مراکز تصمیم گیری و وجود نهادهای موازی متولی فرش	یکی از مشکلات پیش روی قالیباان را، وجود ادارات مختلف تصمیم گیری در حوزه قالیبافی می دانم.
		ضعف جایگاه نهادی فرش دستتفای	جایگاه فرش دستتفای در جامعه امروز مناسب نمی دانم
کارکرد نامناسب ارائه خدمات بیمه و مالی	محدودیت دسترسی بافندگان به منابع مالی و اعتباری مناسب و انحراف بخشی از تسهیلات	سختگیری بانک ها و ناکافی بودن حمایت های مالی دولت	بانکها، همیشه وام مورد نیاز قالیباان را تامین می کنند. حمایت های دولت را برای رونق صنعت فرش دستتفای، کافی می دانم.
		استفاده نامناسب از بودجه و اعتبارات مرکز ملی فرش	اعتبارات دولتی و مرکز ملی فرش به جای قالیبافی در امور دیگری هزینه می شود.
		کوتاه بودن دوره بازپرداخت وام و دیر بازده بودن نسبی بافت فرش	بانک ها نباید در گرفتن اقساط وام های خود از قالیباان عجله بکنند.
		انحراف تسهیلات بانکی	وام ها و تسهیلات بانکها در قالیبافی استفاده نمی شوند.
	ضعف در سازماندهی بیمه تامین اجتماعی قالیباان	نبود اطلاعات دقیق و قابل استناد در خصوص تعداد شاغلین در کارگاه های قالی بافی	امروزه تعداد قالیباان واقعی و اطلاعات شغلی آنها مشخص است.
		قطع بیمه قالی بافان به دلیل عدم پرداخت حق بیمه و یا اشتغال فصلی به کار دیگر	بیمه قالیبافی در صورت پرداخت نشدن، قطع می شود
			قالیباان بعثت اشتغال فصلی به کار قالیبافی نمی توانند از خدمات بیمه استفاده بکنند.
			بعثت نبود نظارت کافی، از بیمه تامین اجتماعی قالیباان استفاده های غیرقانونی می شود.
		سوءاستفاده از بیمه تامین اجتماعی قالی بافی	

جدول شماره ۳: پرسشنامه ده‌سوالی مشارکت شغلی سالانوا و شائوفیلی^۱

Table No 3: cSalanova and Shaoifili's ten-question occupational engagement questionnaire

شماره سوالات Number of questions	سوالات پرسشنامه استاندارد مشارکت شغلی سالانوا و شائوفیلی Salanova and Schaufeli's standard job engagement questionnaire questions
1	مهم ترین اتفاقات زندگی من به کارم مربوط می شود.
2	قالی بافی تنها بخش کوچکی از هویت من است.
3	من از نظر شخصی کاملاً در شغل قالی بافی خود غرق شده ام.
4	من به خاطر قالی بافی زندگی می کنم و نفس می کشم.
5	بیشتر علائق من پیرامون قالی بافی دور می زند.
6	آنچنان با قالی بافی پیوند خورده ام که دل کردن از آن برایم بسیار دشوار است.
7	معمولاً بین خودم و قالی بافی احساس جدایی می کنم.
8	خیلی از اهداف زندگی شخصی ام با قالی بافی در ارتباط است.
9	قالی بافی من برایم حکم زندگی و هستی را دارد.
10	بیشتر اوقات مایلم آنقدر در قالی بافی غرق شوم که خودم را فراموش کنم

در مرحله نخست این مطالعه، مفاهیم اولیه بر دو محور میزان مشارکت زنان و عوامل اجتماعی متمرکز بود، اما برای رسیدن به متغیرهای عملیاتی، اسناد بالادستی و قوانین مرتبط (از جمله قانون برنامه پنجم توسعه و بودجه‌های سنواتی) مورد تحلیل محتوا قرار گرفت و بررسی‌ها نشان داد که علی‌رغم اهداف تعیین شده، چالش‌های اساسی نظیر جایگاه غیرشفاف فرش دستباف در قوانین بودجه، عدم ثبات مدیریتی، ضعف سازماندهی در بیمه تامین اجتماعی و انحراف در تسهیلات مالی از موانع اصلی تحقق اهداف بوده‌اند. بر این اساس، پژوهش حاضر با غربالگری چالش‌های متعدد مطرح در ادبیات تحقیق، بر دو حوزه کلیدی که بیشترین تأثیر را بر زیست‌بوم فعالیت بافندگان داشتند، متمرکز شد و این فرآیند منجر به شناسایی دو متغیر مستقل اصلی گردید: نخست ضعف مدیریت و سیاست‌گذاری در سطح کلان که بر اساس شاخص‌هایی نظیر ابهام در قوانین بالادستی، مدیریت ناکارآمد منابع و عدم تحقق اهداف برنامه‌های توسعه (مانند برنامه پنجم) طراحی شده است و دوم کارکرد نامناسب ارائه خدمات بیمه و مالی در سطح حمایتی که به موانع ملموسی همچون محدودیت دسترسی به منابع اعتباری، انحراف تسهیلات و کاستی‌های نظارتی در حوزه بیمه می‌پردازد. برای تبدیل این مفاهیم به گویه‌های پرسشنامه، از روش اندیکاتورسازی (جدول شماره ۲) استفاده شد که در آن اندیکاتور اول مفاهیم مدیریتی را از دل قوانین بالادستی استخراج کرد و اندیکاتور دوم موانع اجرایی و انحرافات مالی را که برای بافندگان زن ملموس بود، به شاخص تبدیل نمود و در نهایت، این شاخص‌ها در قالب جملات پرسشنامه محقق‌ساخته تنظیم شدند تا تجربه زیسته بافندگان از پیامدهای سیاست‌گذاری‌های کلان و حمایت‌های اقتصادی را مورد سنجش قرار دهند.

یافته‌های پژوهش

نتایج حاصل از بررسی ویژگی‌های فردی و زمینه‌ای ۱۶۸ نفر از بانوان قالی‌باف شرکت‌کننده در پژوهش (جدول ۴) نشان می‌دهد که از نظر وضعیت تأهل، اکثریت مطلق پاسخگویان (۸۰.۹۵٪) متاهل هستند. بررسی وضعیت شغلی نمونه‌ها حاکی از آن است که برای ۸۵.۱٪ از این بانوان، قالی‌بافی به عنوان «شغل اصلی» و منبع نخست درآمدی محسوب می‌شود و تنها ۲۵ نفر (۱۴.۹٪) به این حرفه به عنوان شغل دوم یا کمکی اشتغال دارند.

از منظر سابقه فعالیت، توزیع فراوانی نشان می‌دهد که بیشترین تمرکز پاسخگویان در بازه «تا ۱۰ سال سابقه» (۸۹ نفر) قرار دارد که با افزایش سنوات خدمت، از تعداد بافندگان کاسته شده است. در بخش تحلیل درآمدی، یافته‌ها نشان‌دهنده غلبه سطوح درآمدی پایین و متوسط در این صنف است؛ به طوری که بیش از ۹۷٪ پاسخگویان درآمدی کمتر از ۶۰ میلیون ریال در ماه دارند و بیشترین فراوانی (۵۵.۴٪) متعلق به بازه ۳۰ تا ۶۰ میلیون ریال است.

در نهایت، تحلیل توزیع سنی پاسخگویان نشان‌دهنده غلبه گروه سنی میان‌سال در صنعت قالی‌بافی تکاب است؛ به گونه‌ای که حدود ۸۰٪ از بافندگان در بازه سنی ۲۸ تا ۵۸ سال قرار دارند و بیشترین تراکم سنی مربوط به گروه ۲۸ تا ۳۸ سال (۳۳.۳٪) می‌باشد. این ترکیب سنی و سابقه‌ای، نشان‌دهنده حضور نیروی کار با تجربه و در عین حال لزوم توجه به معیشت این قشر با توجه به آمارهای درآمدی است.

جدول شماره ۴: ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخگویان

Table NO4: Demographic Profile of the Respondents

درصد فراوانی تجمعی Cumulative frequency percentage	درصد percentage	فراوانی Abundance	متغیرهای جمعیت شناختی	
14.9	14.9	25	وضعیت شغلی	(شاغل) به عنوان شغل کمکی
100	85.1	143		(بیکار) به عنوان شغل اصلی
41.7	41.7	70	درآمد	تا 30 میلیون ریال
97	55.4	93		30-60 میلیون ریال
98.8	1.8	3		60-90 میلیون ریال
100	1.2	2		بالا تر از 90 میلیون ریال
11.31	11.31	19	سن	18-28 سال
45.14	33.93	57		28-38 سال
72.03	26.79	45		38-48 سال
92.46	21.43	36		48-58 سال
100	6.54	11		58-68 سال
	100	168		کل

آمارهای توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول ۵ ارائه شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که میانگین نمرات مشارکت شغلی در جامعه مورد مطالعه (۳۶.۶۴) در سطح متوسط به بالا قرار دارد، اما دامنه تغییرات ۳۱ واحدی حاکی از وجود تفاوت‌های فردی قابل توجه در میزان اشتیاق و درگیری شغلی بافندگان است. در مقابل، متغیرهای مستقل ضعف مدیریتی و کارکرد نامناسب بیمه نیز میانگین‌های قابل تأملی را نشان می‌دهند که بیانگر ادراک نسبتاً منفی بافندگان از ساختارهای حمایتی و مدیریتی حاکم بر این صنعت است.

جدول شماره ۵: توصیف آماری متغیرهای وابسته و مستقل زنان قالیباف شهر تکاب

Table 5: Statistical description of dependent and independent variables of female carpet weavers in the city of Takab

متغیرها آمارها Variables Statistics	مشارکت شغلی Social participation	ضعف مدیریتی و سیاست گذاری Weak management and policymaking	کارکرد نامناسب Improper operation
تعداد	168	168	168
میانگین	36.64	25.69	31.9
انحراف معیار	6.38	480	5.79
دامنه تغییرات	31	21	28
کمترین	19	14	16
بیشترین	50	35	44

جهت انتخاب استراتژی آماری مناسب، پیش فرض نرمال بودن توزیع داده‌ها از طریق آزمون کلموگروف-اسمیرنوف (K-S) بررسی گردید. بر اساس نتایج جدول ۶، از آنجا که سطح معناداری (p-value) برای تمامی متغیرهای اصلی بزرگتر از خطای استاندارد (۰.۰۵) به دست آمد، فرض صفر مبنی بر نرمال بودن توزیع داده‌ها تأیید شد. لذا بر اساس این یافته روش شناختی، استفاده از آزمون‌های پارامتریک (ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه) جهت تحلیل روابط و آزمون فرضیات پژوهش، مجاز و دارای اعتبار آماری لازم تشخیص داده شد.

جدول شماره ۶: آزمون (K-S) نرمال بودن توزیع داده‌ها در نمونه آماری

Table NO 6: (K-S) test for normality of data distribution in the statistical sample

متغیرها Variables	توزیع معنی داری Meaningful distribution	سطح معنی داری (دو دامنه ای) Significance level (two-domain)
وابسته	0.067	0.061
مستقل	0.065	0.079
	0.063	0.098

فرضیه نخست پژوهش به بررسی رابطه بین ضعف مدیریتی و سیاست‌گذاری با میزان مشارکت شغلی بانوان قالی‌باف می‌پردازد. نتایج آزمون همبستگی پیرسون (جدول ۷) نشان‌دهنده وجود یک رابطه معکوس (منفی) و بسیار قوی بین این دو متغیر است. این یافته حاکی از آن است که در جامعه مورد مطالعه، ادراک ضعف در ساختارهای کلان مدیریتی و سیاست‌گذاری با کاهش سطح مشارکت شغلی بافندگان همراه است. به عبارت دیگر، هرچه پاسخگویان نسبت به عملکردهای مدیریتی دیدگاه منفی‌تری داشته باشند، تمایل و درگیری شغلی آن‌ها در صنعت قالی‌بافی به شکل معناداری کمتر گزارش شده است. اگرچه ضریب همبستگی به دست آمده (۰.۸۵-) نشان‌دهنده پیوند آماری بسیار مستحکم بین این دو مؤلفه در پژوهش (شهر تکاب) است، اما جهت تبیین دقیق‌تر سهم پیش‌بینی‌کنندگی این متغیر و اطمینان از عدم تداخل با سایر عوامل، نتایج در بخش تحلیل رگرسیون نیز مورد مذاقه قرار گرفت.

جدول شماره ۷: رابطه متغیر ضعف مدیریتی و سیاستگذاری با مشارکت زنان شهر تکاب در صنعت قالیبافی

Table 7: Relationship between the variable of managerial weakness and policy-making with the participation of women in the carpet weaving industry in Takab city

مشارکت زنان در قالی بافی Women's participation in carpet weaving	متغیر وابسته Dependent variable	
	متغیر مستقل Independent variable	
-0.85	ضریب همبستگی پیرسون	ضعف مدیریتی و سیاستگذاری
0.00	سطح معنی داری	
168	تعداد	

فرضیه دوم پژوهش به بررسی رابطه بین کارکرد نامناسب ارائه خدمات بیمه و مالی با مشارکت شغلی بانوان قالیباف اختصاص دارد. یافته‌های مندرج در جدول ۸ نشان می‌دهد که بین این دو متغیر، یک رابطه معکوس و معنادار در سطح اطمینان ۹۵ درصد برقرار است. این ضریب همبستگی بیانگر آن است که نقص در سیستم‌های حمایتی بیمه‌ای و دشواری در دسترسی به تسهیلات مالی، پیوند نزدیکی با کاهش انگیزه و مشارکت شغلی بافندگان دارد. به عبارت دیگر، در جامعه آماری مورد مطالعه، پاسخگویی که ارزیابی منفی‌تری از خدمات بیمه‌ای و مالی داشته‌اند، به طور همزمان سطح مشارکت شغلی پایین‌تری را گزارش کرده‌اند. شدت این همبستگی (۰.۷۷-) اگرچه بسیار بالا ارزیابی می‌شود، اما نسبت به متغیر ضعف مدیریتی (۰.۸۵-)، از قدرت تبیین‌گری نسبتاً کمتری برخوردار است که این امر لزوم اولویت‌بندی مداخلات مدیریتی را آشکار می‌سازد.

جدول شماره ۸: رابطه متغیر کارکرد نامناسب خدمات بیمه و مالی با مشارکت زنان شهر تکاب در صنعت قالیبافی

Table NO 8: Relationship between the variable of improper functioning of insurance and financial services and the participation of women in the carpet weaving industry in Takab city

مشارکت زنان در قالی بافی Women's participation in carpet weaving	متغیر وابسته Dependent variable	
	متغیر مستقل Independent variable	
-0.77	ضریب همبستگی پیرسون	کارکرد نامناسب ارائه خدمات بیمه و مالی
0.025	سطح معنی داری	
168	تعداد	

فرضیه سوم پژوهش به واکاوی رابطه میان میزان درآمد و مشارکت شغلی بانوان قالیباف می‌پردازد. یافته‌های حاصل از آزمون همبستگی پیرسون (جدول ۹) نشان‌دهنده وجود یک رابطه مثبت، مستقیم و بسیار قوی بین این دو متغیر در سطح معناداری ۹۹ درصد است. این یافته حاکی از آن است که بهبود وضعیت معیشتی و افزایش درآمدهای حاصل از قالیبافی، با ارتقای انگیزه و مشارکت فعال‌تر بانوان در این صنعت همراه است. به بیانی دیگر، با افزایش عایدات مالی بافندگان، تمایل و تعهد شغلی آنان به شکل معناداری تقویت می‌شود. این همبستگی قوی (۰.۷۹+) تأیید می‌کند که انگیزاننده‌های مالی نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در تداوم فعالیت این قشر هنرمند در شهر تکاب ایفا می‌کنند؛ هرچند تحلیل نهایی پیش‌بین‌ها مستلزم بررسی همزمان در مدل رگرسیون است.

جدول شماره ۹: توزیع همبستگی میزان درآمد با مشارکت زنان شهر تکاب در صنعت قالیبافی

Table NO 9: Distribution of income correlation with women's participation in the carpet weaving industry in Takab city

مشارکت زنان در قالی بافی Women's participation in carpet weaving	متغیر وابسته Dependent variable	
	متغیر مستقل Dependent variable	

0.79	ضریب همبستگی پیرسون	میزان درآمد
0.001	سطح معنی داری	
168	تعداد	

فرضیه چهارم پژوهش به بررسی رابطه بین سابقه فعالیت (تجربه کار) و مشارکت شغلی بانوان قالی باف می‌پردازد. یافته‌های حاصل از آزمون همبستگی پیرسون (جدول ۱۰) نشان می‌دهد که بین این دو متغیر رابطه مثبت، مستقیم و بسیار قدرتمندی در سطح معناداری ۹۹ درصد برقرار است. این یافته نشان‌دهنده پیوند عمیق میان تجربه حرفه‌ای و میزان درگیری شغلی بافندگان است؛ به این معنا که با افزایش سنوات فعالیت بانوان در این حرفه، سطح مشارکت، تعهد و وابستگی شغلی آنان نیز به شکل معناداری فراتر می‌رود. این همبستگی بسیار بالا (۰.۸۸) را می‌توان به شکل‌گیری هویت حرفه‌ای قوی‌تر در بافندگان با سابقه و انطباق بیشتر آنان با شرایط کار نسبت داد. با توجه به بالا بودن ضرایب همبستگی در تمامی فرضیات ثانویه، ضرورت تحلیل رگرسیون چندگانه جهت کنترل اثرات همزمان متغیرها و بررسی پدیده چندخطی بودن و چندگان شدن در بخش بعدی بدان پرداخته شده است.

جدول شماره ۱۰: رابطه متغیر سابقه قالیبافی با مشارکت زنان شهر تکاب در صنعت قالیبافی

Table NO 10: Relationship between carpet weaving experience and the participation of women
in the carpet weaving industry in Takab city

مشارکت زنان در قالی بافی Women's participation in carpet weaving	متغیر وابسته Dependent variable	
	متغیر مستقل Independent variable	سابقه قالیبافی
0.88	ضریب همبستگی پیرسون	
0.000	سطح معنی داری	
168	تعداد	

در این بخش، مشارکت شغلی بر حسب وضعیت تاهل بافندگان با استفاده از آزمون t برای گروه‌های مستقل مورد واکاوی قرار گرفت. پیش‌فرض برابری واریانس‌ها (آزمون لوین) تأیید شده است. که بیانگر همگنی واریانس‌ها در دو گروه است. نتایج نهایی آزمون t نشان داد که تفاوت مشاهده شده بین میانگین‌های دو گروه از نظر آماری معنادار نیست. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که وضعیت تاهل بافندگان تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر سطح مشارکت شغلی آنان در صنعت قالی بافی تکاب ندارد و هر دو گروه (مجرد و متأهل) الگوی رفتاری مشابهی در این زمینه از خود نشان می‌دهند.

جدول شماره ۱۱: آماره‌های توصیفی متغیر مشارکت زنان در صنعت قالی بافی بر حسب وضعیت تاهل

Table NO 11: Descriptive statistics of the variable of women's participation in the carpet weaving industry by marital status

متغیرها	جنس Marital Status	تعداد number	میانگین Mean	انحراف معیار standard deviation	خطای معیار میانگین Standard error of the mean
مشارکت زنان در صنعت قالی بافی	مجرد	32	21.94	6.37	1.13
	متاهل	136	23.70	6.36	0.55

نتایج آزمون T برای دو گروه مستقل (جدول ۱۲) نشان داد که تفاوت معناداری در میزان مشارکت شغلی زنان بر اساس وضعیت تأهل وجود ندارد. توجه به اینکه سطح معناداری آزمون لوین بزرگتر از ملاک است، فرض برابری واریانس‌ها پذیرفته شد. میانگین نمرات زنان متأهل اندکی بالاتر از زنان مجرد است، اما این اختلاف از نظر آماری معنادار نبوده و نشان می‌دهد وضعیت تأهل عاملی تعیین‌کننده در میزان مشارکت در صنعت قالی‌بافی تکاب محسوب نمی‌شود.

جدول شماره ۱۲: آزمون تی مشارکت زنان شهر تکاب در صنعت قالیبافی بر حسب وضعیت تاهل

Table NO 12: T-test on the participation of women in the carpet weaving industry in the city of Tabaq by marital status

آزمون تی برای بررسی میانگین‌ها T-test for examining means					تست لون برای بررسی واریانس‌ها Lone test to examine variances			
تفاوت انحراف	اختلاف میانگین	سطح معنی داری دو دامنه	درجه آزادی	t	سطح معنی داری	آماره F	مشارکت زنان قالیباف	
1.25	-1.76	0.161	166	-1.407	0.552	0.356		
1.25	-1.76	0.166	46.71	-1.407			با فرض برابری واریانس‌ها	
							با فرض نابرابری واریانس ها	

تحلیل تفاوت میانگین‌ها بر حسب وضعیت اشتغال (جدول ۱۳) نشان‌دهنده وجود تفاوت بسیار معنادار بین دو گروه است. یافته‌ها حاکی از آن است که میزان مشارکت شغلی در میان بانوانی که قالی‌بافی را به عنوان فعالیت اصلی و منبع نخست درآمدی خود برگزیده‌اند (گروه بیکار در سایر بخش‌ها)، به طور معناداری بالاتر از بانوانی است که این هنر را به عنوان یک شغل جانبی یا کمکی دنبال می‌کنند. این نتیجه بر اهمیت معیشتی صنعت قالی‌بافی در شهر تکاب تأکید دارد؛ به طوری که هرچه وابستگی اقتصادی فرد به این صنعت بیشتر باشد، سطح مشارکت و درگیری شغلی او نیز به شکل معناداری افزایش می‌یابد.

جدول شماره ۱۳: آماره های توصیفی متغیرمشارکت زنان درصنعت قالی بافی بر حسب وضعیت اشتغال

Table NO 13: Descriptive statistics of the variable of women's participation in the carpet weaving industry by employment status

متغیرها	وضعیت تاهل marital status	تعداد number	فرض واریانس برابر	کمیت T T quantity	سطح درجه آزادی degree of freedom level	سطح معناداری level of significance	میانگین average
مشارکت زنان در صنعت قالی بافی	شاغل (قالیبافی به عنوان شغل کمکی)	25	فرض واریانس برابر	4.673	368	0.000	6.54719
	بیکار (قالیبافی به عنوان شغل اصلی)	143	عدم فرض واریانس برابر	4.553	502.510	0.000	6.54719

نتایج تحلیل رگرسیون (جدول ۱۴) نشان می‌دهد که در مدل نهایی پیش‌بینی مشارکت زنان شهر تکاب در صنعت قالی‌بافی، ضریب همبستگی چندگانه برابر ۰.۹۱ است و ضریب تعیین ($R^2=0.83$) نشان می‌دهد متغیرهای واردشده به مدل در مجموع ۸۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. همچنین مقدار ضریب تعیین تعدیل‌شده ($Adj. R^2=0.82$) بیانگر آن است که پس از تعدیل اثر حجم نمونه و تعداد پیش‌بین‌ها،

حدود ۸۲ درصد از واریانس مشارکت زنان شهر تکاب در صنعت قالی‌بافی توسط متغیرهای مستقل تبیین می‌شود و حدود ۱۸ درصد باقی‌مانده می‌تواند ناشی از عوامل خارج از مدل پژوهش باشد.

جدول شماره ۱۴: نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه برای پیش‌بینی مشارکت شغلی بانوان

Table NO 14: Multiple Regression Analysis for Predicting Occupational Participation

گام ها	متغیرهای اضافه شده به مدل	R ضریب همبستگی	(R ²) ضریب تعیین	ضریب تعیین (Adj. R ²) تعدیل‌شده	خطای معیار برآورد
1	ضعف مدیریتی و سیاستگذاری	0.86	0.74	0.74	3.26
2	ضعف مدیریتی و سیاستگذاری، عدم کارکرد مناسب	0.87	0.77	0.77	3.05
3	ضعف مدیریتی و سیاستگذاری، عدم کارکرد مناسب، موانع محدودیت های تولید	0.88	0.79	0.79	2.95
4	ضعف مدیریتی و سیاستگذاری، عدم کارکرد مناسب، موانع محدودیت های تولید، موانع و محدودیت های فروش	0.90	0.81	0.81	2.80
5	ضعف مدیریتی و سیاستگذاری، عدم کارکرد مناسب، موانع محدودیت های تولید، موانع و محدودیت های فروش، افول قالی بافی	0.91	0.83	0.82	2.68

جمع‌بندی

پژوهش حاضر با هدف واکاوی عوامل مؤثر بر مشارکت شغلی زنان قالی‌باف در شهرستان تکاب انجام شد. یافته‌های توصیفی نشان داد که اکثریت قاطع پاسخگویان، قالی‌بافی را به عنوان شغل اصلی خود برگزیده‌اند که این امر نشان‌دهنده وزن بالای این صنعت در اقتصاد معیشتی خانوارها در این منطقه است.

در تحلیل فرضیات، مشاهده شد که سابقه قالی‌بافی و ضعف مدیریتی بیشترین پیوند را با میزان مشارکت شغلی دارند. همبستگی معکوس و بسیار قوی میان ضعف مدیریت و مشارکت، گویای این واقعیت است که ساختار سیاست‌گذاری کلان در این حوزه، به جای ایفای نقش تسهیل‌گر، به مانعی برای انگیزش بافندگان تبدیل شده است. این یافته با مبانی نظریه برابری آدامز کاملاً همسو است؛ بر اساس این نظریه، هنگامی که قالی‌بافان میان داده‌های خود مهارت، هنر، زمان و توان جسمی و ستانده‌های دریافتی حمایت‌های مدیریتی، امنیت شغلی و جایگاه اجتماعی تعادل برقرار نمی‌نهند، دچار احساس بی‌عدالتی شده و در نتیجه، سطح مشارکت و درگیری شغلی آنان کاهش می‌یابد. این یافته با نتایج مطالعه ورمزیاری و همکاران (۱۳۹۷) که ناتوانی مدیریت، سیاست‌گذاری و راندمان پایین خدمات بیمه‌ای را چالش‌های اساسی هنر-صنعت فرش می‌دانند، کاملاً همسو است. همچنین با تحقیق محمدی استادکلاته و همکاران (۱۳۹۵) همخوانی دارد که معتقدند ضعف سیاست‌های حمایتی دولت بیشترین تأثیر را بر رکود این صنعت دارد. علاوه بر این، در تبیین به چالش کشیدن بار مالی بیمه توسط دولت و لزوم اصلاحات ساختاری، این یافته با پژوهش کریم‌پور (۱۴۰۱) مطابقت دارد.

همچنین، نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که ۸۲ درصد از تغییرات مشارکت شغلی توسط متغیرهای مدل تبیین می‌شود. در این میان،

سابقه فعالیت قوی‌ترین پیش‌بین مثبت بود؛ این امر نشان‌دهنده شکل‌گیری یک هویت حرفه‌ای در بافندگان باسابقه است که با وجود کاستی‌های ساختاری، همچنان به دلیل درونی شدن مهارت، مشارکت بالایی از خود نشان می‌دهند. در مقابل، کارکرد نامناسب بیمه به عنوان یک عامل بازدارنده جدی شناسایی شد که امنیت آتی بافندگان را مخدوش کرده و تلقی آنان از این حرفه را به یک شغل موقت و فاقد چشم‌انداز تنزل داده است. خروجی پژوهش ما تأییدی بر چالش‌های مطرح شده توسط (Khan, 2023) در سرینگر هند، (Babel and Gupta, 2006) در راجستان هند و (Negi and Upadhyay 2012) است که دستمزد پایین، سود کم سرمایه‌گذاری و ناتوانی در تهیه مواد اولیه را به عنوان عوامل استثمار و چالش‌های معیشتی زنان بافنده معرفی کرده‌اند.

در خصوص متغیرهای زمینه‌ای، برخلاف تصور اولیه، یافته‌های آزمون T تفاوت معناداری را بین زنان مجرد و متأهل نشان نداد. این یافته بسیار حائز اهمیت است، زیرا نشان می‌دهد در فرهنگ بوم‌شناختی تکاب، تأهل نه تنها مانعی برای فعالیت هنری و اقتصادی زنان نیست، بلکه به دلیل نقش قالی‌بافی در تأمین درآمد خانوار، به عنوان یک فعالیت پذیرفته شده و مکمل در ساختار خانواده تداوم یافته است.

صنعت فرش دستباف تکاب فراتر از یک کالا، نماینده اصالت فرهنگی و توانمندی اقتصادی بانوان این خطه است. نتایج نهایی این مطالعه نشان داد که موانع مشارکت زنان، بیش از آنکه ریشه در عوامل فردی یا محدودیت‌های خانوادگی داشته باشد، ناشی از شکاف‌های ساختاری در مدیریت کلان و سیاست‌گذاری‌های حمایتی است. عدم تطابق میان سختی کار و خدمات بیمه‌ای، در کنار ضعف در تضمین فروش و تأمین مواد اولیه، منجر به فرسایش انگیزشی در میان جامعه بافندگان شده است. با این حال، ظرفیت بالای درآمدزایی و پیوند عمیق بافندگان باسابقه با این حرفه، روزه امید برای احیای این صنعت در صورت اصلاح فرآیندهای بروکراتیک و توسعه بیمه‌های تخصصی فراهم می‌آورد.

بر اساس یافته‌های متقن پژوهش، پیشنهادهای زیر جهت ارتقای سطح مشارکت بانوان قالی‌باف ارائه می‌گردد:

۱. اصلاح ساختار بیمه تخصصی: بازنگری در قانون بیمه بافندگان و ایجاد متمم‌های تشویقی (مانند کاهش سنوات بازنشستگی برای زنان به دلیل سختی کار جسمانی) جهت تغییر نگرش بافندگان از شغل موقت به حرفه پایدار.
۲. تسهیل زنجیره تأمین و فروش: ایجاد تعاونی‌های مستقیم جهت تأمین مواد اولیه مرغوب و حذف واسطه‌ها برای افزایش سهم واقعی بافنده از قیمت نهایی محصول (ارتقای استانداردها در مدل برابری).
۳. توسعه آموزش‌های نوین مدیریتی: برگزاری دوره‌های توانمندسازی برای مدیران محلی و نهادهای متولی جهت بهبود تعامل با بافندگان و کاهش ادراک «ضعف مدیریتی» در میان جامعه هدف.
۴. پژوهش‌های آتی: با توجه به محدودیت‌های این مطالعه (دشواری دسترسی به بافندگان در نقاط پراکنده)، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های کیفی با تمرکز بر «تجربه زیسته» زنان بافنده انجام شود تا لایه‌های پنهان عدم تمایل نسل جوان به ورود به این صنعت واکاوی گردد.

تقدیر و تشکر

قدردان زنانی هستیم که در تکمیل پرسشنامه‌ها یاری گر پژوهشگران بودند. این مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد خانم غلامی است.

تعارض منافع

نویسندگان تعارض منافی ندارند.

منابع

- امیدی‌پسند، ر.، و عباس‌زاده، ح. (۱۳۹۵). بررسی تاثیر نقش داستان برند بر درک تصویر برند با استفاده از روش تحلیل گفتگو (مورد مطالعه محصولات اپل). *تحقیقات بازاریابی نوین*، ۶ (ویژه نامه)، ۱۹۷-۲۱۲. <https://doi.org/10.22108/nmrj.2016.17844>
- بازرگان، ش. نیک‌پی، الف. (۱۴۰۰). تحلیل درهم تنیده حقوق کار زنان قالیباف (مطالعه موردی بیمه زنان قالیباف تبریز). *پژوهش‌های نوین حقوق اداری*، شماره ۸، ۱۸۹-۲۱۶. Doi: <https://10.22034/MRL.2021.532150.1155>

- پورحسن، س. هنرمندعظیمی، م. رضوانی، م. (۱۴۰۰). تحلیل مولفه‌های بازاریابی اجتماعی در صنعت بیمه با استفاده از تحلیل موضوعی و دلفی فازی، پژوهشنامه بیمه، دوره ۱۰، شماره ۳، ۱۹۷-۲۱۶. <https://doi.org/10.22056/ijir.2021.03.04>
- پیتز، د. (۱۳۸۸). تامین اجتماعی، مقدمه‌ای بر اصول اساسی. ترجمه فراز فیروزمندی و سمیرا احمدی، موسسه مطالعات و پژوهش‌های شهر دانش، تهران. <https://pub.sdil.ac.ir/bfile?file=>
- رحیم‌پور، ش. قدرتیان کاشان، ع. چیت‌سازیان، الف. (۱۳۹۷). عوامل موثر بر کاهش تمایل زنان روستایی به حرفه قالی بافی در شهرستان شیراز، روستا و توسعه، سال ۲۱، شماره ۱، ۱۱۵-۱۳۱. <https://www.ensani.ir/file/download/article/1581335412> - 9531-97-1-6.pdf
- زمانی، س. ق. (۱۳۹۶). مفهوم و جایگاه تامین اجتماعی در اسناد بین المللی، مجله حقوق پزشکی، سال ۱۱، شماره ۴۲، ۴۰-۷. URL: <http://ijmedicallaw.ir/article-1-767-fa.html>
- شاطریان، م. گنجی‌پور، م. (۱۳۹۳). صنعت قالی بافی و توسعه اقتصاد روستایی بخش ابوزید آباد شهرستان آران و بیدگل، پژوهش‌نامه کاشان، شماره ۵، (پیاپی ۱۳)، ۸۳-۶۶. <https://civilica.com/doc/1329723>
- شاه‌آبادی، الف. مقیمی، ف. (۱۳۹۷). تاثیر بازاریابی بین‌الملل بر عملکرد صادرات فرش ایران. بررسی‌های بازرگانی، دوره ۱۶، شماره ۹۰، ۵۶-۴۰. <https://civilica.com/doc/1363231>
- طباطبایی‌حصاری، ن. آذری، ه. (۱۳۹۸). مطالعه تطبیقی اسناد ملی و بین‌المللی در زمینه جایگاه اصل برابری در برخورداری زنان از مزایای بیمه‌های اجتماعی، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۱۹، شماره ۷۵، ۸۷-۱۲۱. <https://20.1001.1.17358191.1398.19.75.8.5>
- عراقی، ع. (۱۳۸۶). درآمدی بر حقوق تامین اجتماعی، موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی. <https://www.adinehbook.com/product/>
- عزیزی، ح. (۱۳۹۷). پیش‌بینی مشارکت شغلی از طریق مسئولیت اجتماعی با نقش واسطه‌ای تعهد سازمانی و مشارکت شغلی، پایان‌نامه برای اخذ درجه کارشناسی ارشد، رشته و گرایش مدیریت بازرگانی (بازاریابی) دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرودشت.
- علیایی، م. ص. دهقان نیستانکی، م. (۱۳۹۱). بررسی توانمندی‌های اقتصادی زنان قالیباف تکاب افشار و نقش آنان در توسعه روستایی مطالعه موردی روستاهای شهرستان تکاب (استان آذربایجان غربی)، مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال ۵، شماره ۱، ۸۱-۶۸. <https://sanad.iau.ir/Journal/ijsds/Article/821624>
- کریم‌پور، ن. (۱۴۰۱). وضعیت موجود، ابعاد و چالش‌های بیمه زنان خانه‌دار. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/1743066>
- مالکی، ح. (۱۳۹۹). بررسی فرآیند تجاری سازی فرش دستباف ایران (مورد مطالعاتی: شرکت سهامی فرش ایران؛ شعبه بیرجند)، رجشمار دوره ۱، شماره ۲، ۱۷۴-۱۵۳. Doi: <http://10.22077/RAJSHOMAR.2021.4532.1034>
- محمدی استادکلایه، الف. بیات، ن. خراسانی، م. نیک‌روش، ر. (۱۳۹۵). شناخت و تحلیل عامل مؤثر بر رکود صنعت قالیبافی در نواحی روستایی از دیدگاه قالیبافان شهرستان گنبد کاووس، گلجام، دوره ۱۲، شماره ۳۰، ۸۲-۶۷. <http://goljaam.icsa.ir/article-1-154-fa.html>
- محمدی استادکلایه، الف. بیات، ن. (۱۳۹۵). شناخت و تحلیل عوامل مؤثر بر رکود صنعت قالی بافی در نواحی روستایی با استفاده از روش کیو (مورد مطالعه: شهرستان گنبدکاووس)، پژوهش‌های روستایی، دوره ۷، شماره ۲، ۴۰۵-۳۹۲. https://jrur.ut.ac.ir/article_58982.html
- نیازی، م. چیت‌سازان، الف. (۱۳۸۶). نقش فرهنگ اشتغال و کار بیرون از خانه در وضعیت قالی بافی، گلجام، شماره ۶ و ۷، ۱۲۴-۱۰۷. URL: <http://goljaam.icsa.ir/article> - ۱-۳۷۰
- رمزپوری، ح. رازانی، ب. مرادی، م. (۱۳۹۷). واکاوی چالش‌ها و راهکارهای توسعه هنر-صنعت فرش دستباف روستایی ایران؛ دستاوردهایی برای سیاستگذاری، گلجام، دوره ۱۴، شماره ۳۳، ۱۰۳-۸۳. URL: <http://goljaam.icsa.ir/article-1-264-fa.html>
- یآوری، ف. مهاجر، ف. خدای، ع. (۱۳۹۷). تبیین جامعه‌شناختی یادگاری بافی در قالی‌های عشایری و روستایی ایران (مطالعه‌ی موردی: قالی کرمانشاه)، گلجام، دوره ۱۴، شماره ۳۳، ۸۲-۶۳. URL: <http://goljaam.icsa.ir/article-1-282-fa.html>
- باشگاه خبرنگاران جوان. (۱۴۰۰). فرش اهنین تکاب ثبت جهانی شد. <https://www.google.com/amp/s/www.yjc.ir/fa/amp/news/7990934>

- خبرگزاری مهر (۱۳۹۰). مشکلات کمر قالیبافان را خم کرد. هنرمندان فرش‌باف در انتظار بیمه. <https://mehrnews.com/xVvsK>
- قانون بیمه‌های اجتماعی قالیبافان، بافندگان فرش و شاغلان صنایع دستی شناسه‌دار (۱۳۸۸). مصوب مجلس شورای اسلامی. بازیابی شده <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/136084>

- Ann Berman, K. (2006). Carpet Weavers and Weaving in The Global Market: The Case of Turkey, A Thesis Presented to the Faculty of the Graduate School of Cornell University. <https://ecommons.cornell.edu/server/api/core/bitstreams/a1b26f85-89c4-4447-b813-58fedc855d29/content>
- Arify, M. (2023). The Role of Carpet Weaving Women in The Rural Economy of Afghanistan. *Spring Journal of Arts*. Vol2. No5. <https://doi.org/10.55559/sjahss.v2i05.114>
- Aliayee, M., P. Dehghan Neistanaki, M. (2012). Investigating the economic capabilities of women carpet weavers in Takab Afshar and their role in rural development, a case study of villages in Takab County (West Azerbaijan Province), *Iranian Social Development Studies*, Year 5, No. 1. 81-68. <https://sanad.iau.ir/Journal/jisds/Article/821624> [In Persian]
- Azizi, H. (2018). Predicting job participation through social responsibility with the mediating role of organizational commitment and job participation, *thesis for obtaining a master's degree, major and orientation in Business Administration (Marketing)*, Islamic Azad University, Marvdasht Branch. [In Persian]
- Bazargan, Sh. Nikpi, A. A. (1400). An integrated analysis of the labor rights of women in the insurance industry (a case study of the insurance of women in the insurance of Tabriz). *Modern Research in Administrative Law*, No. 8, 216-189 Doi: <https://10.22034/MRL.2021.532150.1155> [In Persian]
- Babel, S. and Gupta, P. (2006). Constraints in The Economic Development of Women Handloom Weavers of Rajasthan. *Proceedings of 2nd National Extension Education Congress on Technology Application for Extension Education, held at MPUAT, Udaipur (Rajasthan) from 22-24 May, 2004*. p-195. https://www.researchgate.net/publication/291656836_Problems_of_handloom_weavers_in_Rajasthan
- Corson, J. J. (1940) Director's Bulletin No. 35, Reasons for The 1939. Amendments to The Social Security Act. Retrieved September 8, 2008. http://www.ssa.gov/history/reports/1939_no3.html
- Fatta, D. Di, Gera, N., Tyagi, L. K., & Grisold, T., (2018). Export knowledge: Determinant of export Strategy, Export commitment And Export Performance in Carpet Industry. *Kybenetes*. 1-22. https://www.researchgate.net/publication/329219286_Export_knowledge_Determinant_of_export_strategy_export_commitment_and_export_performance_in_carpet_industry
- Jain. Pranshi, (2019). Carpet Weaving Tradition of India, *International Journal of Research-Granthaalayah*. 86-20. <https://doi.org/10.29121/granthaalayah.v7.i11.2019.907>
- Iraqi, A. (2007). An introduction to social security rights, Higher Institute for Social Security Research. <https://www.adinehbook.com/product/> [In Persian]
- Khan, Ta. Bhat. Ah. Mohsin, A. (2023) Livelihood Challenges in Handicraft Industry: A Qualitative Study on Poverty And Exploitation of Women Artisans in Srinagar. *Contemporary Voice of Dalit*. <https://doi.org/10.1177/2455328x231180385>
- Karimpour, N. (2011). Current status, dimensions and challenges of housewives' insurance. *Research Center of the Islamic Consultative Assembly*. <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/1743066> [In Persian]
- Maleki, H. (2019). Investigating the process of commercializing handmade carpets in Iran (case study: Iran Carpet Joint Stock Company; Birjand Branch), *Rajshmar* Volume 1, No. 2, 174-153. Doi: <https://10.22077/RAJSHOMAR.2021.4532.1034> [In Persian]

- Mohammadi Ostadkalayeh, A. Bayat, N. Khorasani, M. Nikroosh, R. (2016). Identifying and analyzing the factors affecting the recession of the carpet weaving industry in rural areas from the perspective of carpet weavers in Gonbad Kavous County, *Goljam*, Volume 12, Issue 30. 82-67. 20.1001.1.20082738.1395.12.30.3.2 URL: <http://goljaam.icsa.ir/article-1-154-fa.html> [In Persian]
- Mohammadi Ostadkalayeh, A. Bayat, N. (2016). Identifying and analyzing the factors affecting the recession of the carpet weaving industry in rural areas using the Q method (case study: Gonbad Kavous County), *Rural Research*, Volume 7, Issue 2, 405-392. https://jrur.ut.ac.ir/article_58982.html [In Persian]
- Niyazi, M. Chitsazan, A. (2007). The role of employment culture and work outside the home in the situation of carpet weaving, *Goljam*, No. 6 and 7, 124-107. 20.1001.1.20082738.1386.3.6.7.5 URL: <http://goljaam.icsa.ir/article-1-370-fa.html> [In Persian]
- Negi, T. & Upadhyay, R. (2012). Swot Analysis of Selected Entrepreneurial Activities Performed By Rural Women, *Raj. J. Extn. Edu.* NO. 20. <https://www.rseeudaipur.org/wp-content/uploads/2013/02/532.pdf>
- Omidipasand, R., Abbaszadeh, H., Tajzadeh yamin, A., & Allahdadi, M. (2016). An investigation of the effect of brand story role on perceived brand image using conversation analysis (Case study: Apple products). *New Marketing Research Journal*, 6(Special Issue), 197-212. <https://doi.org/10.22108/nmrj.2016.17844> [In Persian].
- Pourhasan, S. Honarmand-Azimi, M. Rezvani, M. (1400). Analysis of social marketing components in the insurance industry using thematic analysis and fuzzy Delphi, *Insurance Research Journal*, Volume 10, No. 3. 216-197 <https://doi.org/10.22056/ijir.2021.03.04> [In Persian]
- Peters, D. (2009). Social Security, an Introduction to Basic Principles. Translated by Faraz Firouzmandi And Samira Ahmadi, *Shahr Danesh Studies and Research Institute*, Tehran.[In Persian]
- Prabhakar,S.(2015) Effectiveness of Insurance For Disaster Risk Reduction And Climate Change Adaptation: Challenges And Opportunities. *Institute For Global Environmental Strategies(IGES)* <https://www.iges.or.jp/en/pub/effectiveness-disaster-risk/en>
- Schaufeli, W. B., & Salanova, M. (2008). 18 Enhancing Work Engagement Through The Management of Human Resources. *The Individual in The Changing working life*, 380. DOI: <https://doi.org/10.1017/CBO9780511490064.018>
- Shoiria .A.M ,Dilfuza .I.U ,Farzod .SK.U (2021). Goals And Development Prospects of The Carpet Industry In Uzbekistan. *Nat. Volatiles & Essent. Oils*, 2021; 8(4): 9543-955. *Nat. Volatiles & Essent. Oils*, 2021; 8(4): 9543-9550 www.geniusjournals.org
- Rahimpour, Sh. Khodratian Kashan, A. Chitsazian, A. (2018). Factors affecting the decrease in the inclination of rural women to the profession of carpet weaving in Shiraz city, *Village and Development*, Year 21, Issue 1, 131-115. <https://www.ensani.ir/file/download/article/1581335412-9531-97-1-6.pdf> [In Persian]
- Shahabadi, A. Moghimi, F. (2018). The impact of international marketing on the performance of Iranian carpet exports. *Business Studies*, Volume 16, Issue 90. 56 -40 <https://civilica.com/doc/1363231> [In Persian]
- Shatrian, M. Ganjipour, M. (2014). Carpet weaving industry and rural economic development of Abu Zeid Abad district of Aran and Bidgol city, *Kashan Research Journal*, Issue 5, (Continued 13), 83-66. <https://civilica.com/doc/1329723> [In Persian]
- Tabatabai-Hesari, N. Azari, H. (2019). A comparative study of national and international documents on the position of the principle of equality in women's enjoyment of social insurance benefits, *Social Welfare Research Quarterly*, Year 19, Issue 75. 121-87. <https://20.1001.1.17358191.1398.19.75.8.5> [In Persian]
- Varmaziari, H. Razani, B. Moradi, M. (2018). Analysis of challenges and solutions for the development of the art and industry of Iranian rural handmade carpets; achievements for

policymaking, *Goljam*, Vol. 14, No. 33, 103-83. 20.1001.1.20082738.1397.14.33.2.1 URL: <http://goljaam.icsa.ir/article-1-264-fa.html> [In Persian]

- Yavari, F. Mohajer, F. Khodami, A. (2018). Sociological explanation of souvenir weaving in Iranian nomadic and rural carpets (case study: Kermanshah carpet), *Goljam*. Volume 14, Issue 33, 82-63. 20.1001.1.20082738.1397.14.33.6.5
URL: <http://goljaam.icsa.ir/article-1-282-fa.html> [In Persian]
- Zamani, S., Q. (2017). The concept and position of social security in international documents, *Medical Law Journal*, Year 11, Issue 42. 40-7. URL: <http://ijmedicallaw.ir/article-1-767-fa.html>[In Persian]
- Wani, Kh. A. & Jaiswal, Y. K. (2011). Occupational Health Risk Factors in Carpet Industry: A Review, *Society of Applied Sciences, ASIAN J. EXP. BIOL. SCI.* VOL. 2, No. 1, pp. 135-139.

آدرس خبر خبرگزاری مهر mehrnews.com/xVvsK

رویدادیند منتشر نشده